

نگاهی به رمان «پنین» از ولادیمیر ناباکوف

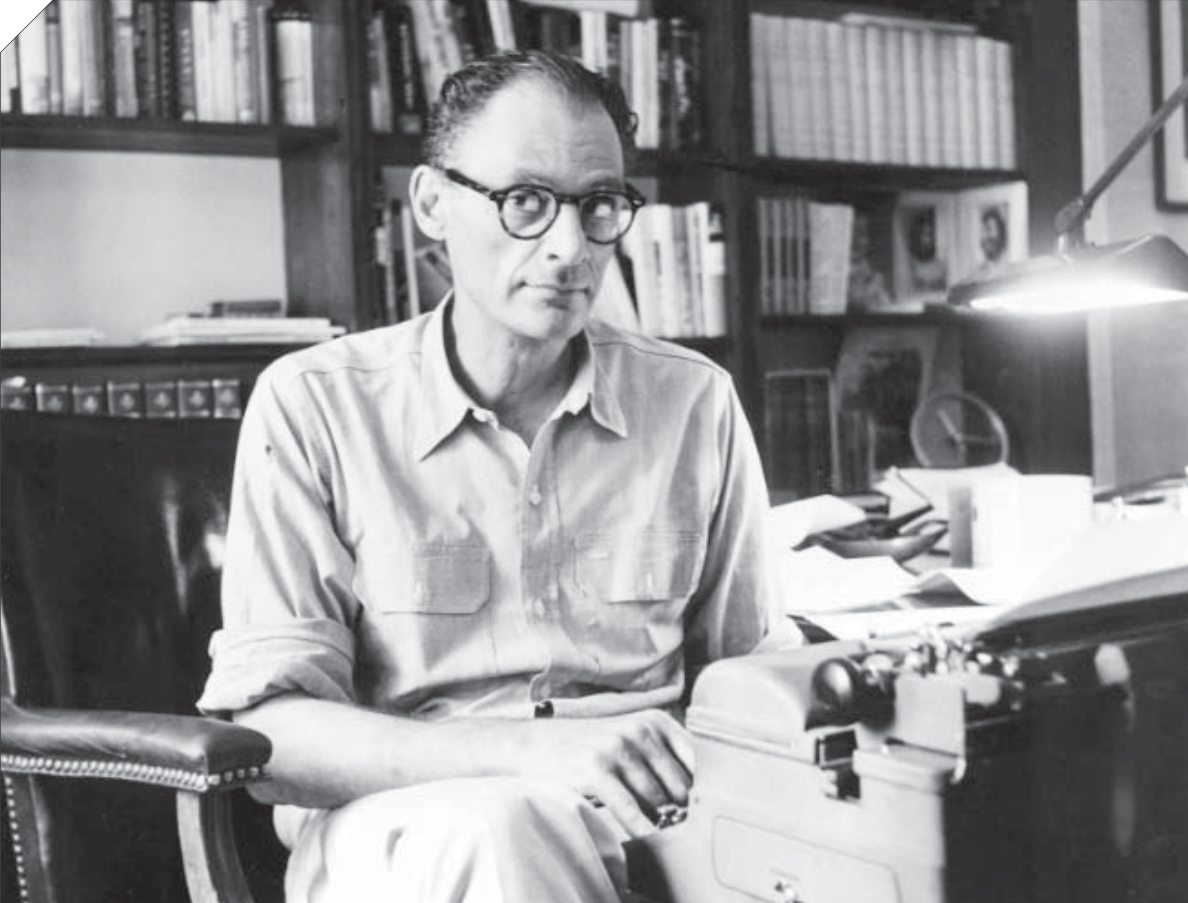
## تجربه مهاجرت و پروفسور پنین

**محمدمعین شرفانی:** رمان «پنین» از معروف‌ترین و محبوب‌ترین رمان‌های ولادیمیر ناباکوف است. این رمان که از عناصر پست‌مدرنیسم ادبی در آن استفاده شده است، توانسته توجه مخاطبین زیادی را به خود جلب کند و به‌عنوان یکی از شاخص‌های ادبی در این سبک معرفی شود. بیره، نیست اگر این رمان را دلیل شهرت بین‌المللی ناباکوف بدانیم. چه در ساختار و چه در محتوا، ناباکوف نوآوری‌های قابل توجهی انجام داده و «پنین» را به یک رمان سهل و ممتنع تبدیل کرده است.

«پنین»، چهارمین رمان انگلیسی‌ی ناباکوف است. این رمان هفت فصل دارد که فصل‌های اول، سوم، چهارم و ششم آن جداگانه در مجله «نیویورکر» منتشر شده است. باید گفت ساختار رمان طوری است که هر فصل آن به یک جنبه زندگی پنین می‌پردازد. نمی‌توان گفت این اثر مجموعه داستان پیوسته است، بلکه باید گفت رمان «پنین» دقیقاً بر محوریت سبک پست‌مدرن توانسته بخش‌های زندگی این شخصیت را پردازش کند. رمان «پنین» با محوریت شخصیت، مخاطب را با خود همراه می‌کند تا قصه آنچه را به صورت بیرونی برای خود مؤلف این کتاب رخ داده است، بازگو کند. روایت این رمان

سرشار از طنز و توصیف‌هایی است که ردپای نگاه ناباکوف را هویدا می‌کند. توصیف‌ها و فضاسازی‌هایی ماندگار با ریتم آرام و ثنری در خور توجه در این رمان نگارش شده است. قصه از جایی شروع می‌شود که پنین، استاد دانشگاه و مدرس آموزش زبان روسی که در آمریکا ساکن است، به دانشگاهی دعوت شده و می‌خواهد در آنجا سخنرانی کند. در همین ابتدای سفرش، ناباکوف ما را با ویژگی‌های بیرونی و مرتبط با درون پنین آشنا می‌کند و بعد ماجراهای این شخصیت که طنزآلود و تنه به کمدی سیاه می‌زند، روایت می‌شود. در جزء-به‌جزه این رمان فضایی جالب توجه برای مخاطب ساخته می‌شود که با پیشرفت آن در روند قصه کم‌کم همه‌چیز معطوف به راوی این قصه می‌شود. راوی‌ای که در فصل هفتم پرده از چهره خود برم‌ی‌دارد و با شکلی کاملاً زبانی و در گرو سبک داد سخن می‌دهد. تکثرگرایی و مرکزگریزی از شاخصه‌های اصلی پست‌مدرنیسم در ادبیات است. این‌دو مورد به‌خوبی در رمان «پنین» جا افتاده و نویسنده کاملاً وفادارانه به تکثیر روایت‌های معطوف به پنین پرداخته و از آن سوو در همین فصل‌ها با شکل روایت‌های مختلف سعی کرده مرکزگریزی را از سمت پنین دور کند. در فصل

هفتم که راوی نقاب از چهره برم‌ی‌کشد، متوجه این دو عنصر –فقط در همین فصل– خواهیم شد. از دیگر نکات قابل توجه سبک پست‌مدرنیسم، هجو یا همان ایجاد آبرونی است. پرواضح است که رمان «پنین» هجوی است بر زندگی خود ناباکوف. ولادیمیر ناباکوف اصالت روسی دارد و جوانی خود را در روسیه گذرانده است، اما بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به همراه خانواده از این کشور خارج شد و بعد از گذراندن ماجراهایی که خود قصه‌ای جدا دارد، در نهایت در انگلستان مستقر می‌شود و در آنجاست که شروع به نوشتن داستان و رمان می‌کند اما به زبان انگلیسی. این هجو زمانی جنبه‌های خود را پیدا می‌کند که زندگی و آنچه را بر ناباکوف گذشته مطالعه کرد. آن‌وقت است که این تقابل شخصیت‌ها مابین پنین و ناباکوف، نقیضه‌ای می‌شود که مؤلف بر خود و آنچه را که بر خود و مهاجرتش گذشته ارائه می‌کند. رمان «شاه، بی‌بی، سرباز» نوشته ناباکوف از دیگر رمان‌های اوست که به‌خوبی نقیضه‌ای بر رمان «مادام بوآری» نوشته گوستاو فلوربر نویسنده شهیر فرانسه ساخته است. اوج این هجویات در داستان کوتاه‌های اوست که به‌خوبی توانسته مهاجرت و سختی‌هایش را در قالب قصه به اجرا بگذارد.



شکل‌های زندگی: به مناسبت انتشار مجدد «ارکستر زنان آوشویتس»

# یادی از آرتور میلر

تش‌های اجتماعی را به موضوعی روان‌شناسانه درباره انسان فرومی‌کاهد، در حالی که آرتور میلر با تشریح کنش‌های فردی و اضطراب‌های درونی به جای «شخصیت» بیشتر بر «تیپ»‌های انسانی و تأثیر تنش‌های اجتماعی بر رفتار انسان تأکید می‌کند. «گرچه روی شیروانی داغ» از مشهورترین فیلم‌های تاریخ سینما با شرکت پل نیومن و الیزابت تیلور بر اساس نمایش‌نامه‌ای با همین عنوان از تنسی ویلیامز است. ماجرای فیلم به مزرعه‌دار ثروتمندی بازمی‌گردد که به‌زودی بر اثر سرطان خواهد مرد، اما از بیماری خود بی‌خبر است و خود را در سلامت کامل می‌داند و در عوض تلاش می‌کند تا بیماری پسر خود بریک در پل نیومن- و عروسش مگی -الیزابت تیلور- را درمان کند. داستان این فیلم و سیر آن بیش از هر چیز از دغدغه‌های تنسی ویلیامز نسبت به انسان، پیچیدگی روح و روان و غیرقابل پیش‌بینی بودن انسان حکایت می‌کند.

موضوع روان انسانی چنان است که بخش مهمی از ماجرای فیلم تنها به گفت‌وگوی طولانی و پرنغز و البته پایان‌ناپذیر میان زن و شوهر و کشمکش‌های میان آنان بدل می‌شود. ویلیامز، انسان یا فی‌الواقع درون انسان را به دروازه‌هایی تشبیه می‌کند که به شهرهای بزرگ و بی‌رویبکر شبیه‌اند. تا بدان حد که آدمی در کوچه‌خیابان‌های روح و روان خویش گم می‌شود. به همین دلیل پرداختن به روان‌کاوی و پرداختن به درون انسان که در فیلم به صورت دیالوگ‌های مدام نشان داده می‌شود، در حقیقت تمامی فیلم را در بر می‌گیرد. ویلیامز در جایی می‌گوید که او با آدم‌هایی سروکار داشته که از فرط امید ناامید شده‌اند و همین‌طور با آدم‌هایی ناامید روبه‌رو شده که چون دیگر چیزی برای آن دست دادن نداشته‌اند در نهایت امیدواری زندگی کرده‌اند که بر ای



نادر شهریوری (صدقی)

وقایع و اتفاقات زندگی نشان‌های خود را به‌صورت مضامین هنری باقی می‌گذارند.نمایش‌نامه‌های تنسی ویلیامز (۱۹۸۳-۱۹۱۱) و آرتور میلر (۲۰۰۵-۱۹۱۵) نشان‌هایی از چنین مضامینی‌اند. اهمیت این‌دو نمایش‌نامه‌نویس در کنار یوجین اوئیل تا بدان حد است که زمانه بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا را به تمامی نشان می‌دهد. اما این تنها اهمیت این دو چهره ادبی به‌عنوان نویسنده نیست؛ آنها به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس نیز بسیار معتبرند. تا بدان اندازه که متن‌هایشان دستمایه درخشان‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای جهان قرار گرفت. در حقیقت سینما و تئاتر آن دوره و حتی بعدها، تنها با استفاده از ذخیره بی‌کران ادبیاتی این چنین می‌توانست حیات پرشکوه خود را تضمین نماید؛ «گرچه روی شیروانی داغ» و «باغ‌وحش شیشه‌ای» از ویلیامز و همین‌طور «مرگ دستفروش» و «ارکستر زنان آوشویتس» از میلر وو… نمونه‌هایی از چنین‌متن‌هایی‌اند. بسیاری از دوگانه ویلیامز-میلر به‌عنوان «عبارتی» استفاده می‌کنند که فضای آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم را توصیف می‌کند و این می‌تواند عبارتی درست از فضای اجتماعی آن زمانه باشد، اما با این تفاوت قابل تأمل که ویلیامز عمدتاً

مروری بر کتاب «پرواز بر فراز جنون»

## نهادی که توان تاب آوری ندارد

الین ساکس، نویسنده کتاب «پرواز بر فراز جنون» به بیماری اسکیزوفرنی مبتلا است. او استاد برجسته حقوق، روان‌شناسی و روان‌پزشکی اورین بی. ایوانز در دانشکده حقوق دانشگاه کالیفرنزیای جنوبی و مدیر مؤسسه حقوق، سیاست و اخلاق سلامت روانی ساکس است. همچنین او پژوهشگر انستیتوی روان‌تحلیلی لس‌آنجلس است. ساکس، یک مبارز پرشور برای حقوق افراد مبتلا به بیماری‌های روانی شدید است، او به ما نشان می‌دهد که بیمار روانی نباید حبس ابد باشد. «پرواز بر فراز جنون: نهادی که توان تاب‌آوری ندارد»، اتوبیوگرافی الین ساکس

www.sharghdaily.com



**پنین**

**ولادیمیر ناباکوف**

**ترجمه رضا رضایی**

**نشر کارنامه**

دیگر شاخصه پست‌مدرنیسم ادبی نگارش بازیگوشانه است. چیزی که ناباکوف در تمامی آثارش شیوه منحصر‌به‌فرد آن را به کار گرفته است. شیوه‌ای که با فضاسازی از جزء-شروع می‌شود و به کل می‌رسد؛ می‌توان گفت یک نوع مجاز مرسل. در همین رمان هم این ساختار حفظ شده و شیوه بازیگوشانه نوشتن ناباکوف معطوف شده به راوی که خود در فصل هفتم همه‌چیز را برملا می‌کند. در رمان‌های «چشم» و «دعوت به مراسم کردن‌زنی» این نوع از مجاز مرسل و نگارش بازیگوشانه‌ای که ناباکوف با جزئیات متصل مابین بیرون و درون برقرار می‌کند، وجود دارد.

باید گفت رمان «پنین» از آن دست رمان‌هایی است که نیاز به توجه در شیوه روایت و ساخت قصه دارد. خط‌های روایی منحصربه‌فرد آن نه‌تنها ذهن مخاطب را مملو از تصاویر بدیع و صحنه‌های هیجان‌انگیز می‌کند، بلکه برای نویسندگان و متخصصان ادبیات نکاتی را پنهان کرده است که از پس پیداکردن آن به نکات جامع‌تر در پیرامون ادبیات می‌رسد که خوانش آن را ملزم به چندبارخوانی می‌کند.

روایت‌هایی از «سال‌های شاکرِدی وِیلِهلم مایستِر»

#### گوته خودی نیست!

یوهان ولفگانگ فون گوته، شاعر و نویسنده آلمانی، در ایران نام شناخته‌شده‌ای است. از او تاکنون در زبان فارسی آثاری مهمی منتشر شده است و اخیراً نیز کتاب مطرح او، «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» با ترجمه امیر معدنی‌پور منتشر شده است که به این مناسبت نشست‌ی در نقد و بررسی آن در مؤسسه شهرکتاب برگزار شد. این رمان از مهم‌ترین آثار تاریخ ادبیات کلاسیک است و رمانی است با درونمایه‌های فلسفی و عاشقانه که نگاهی نیز به تئاتر دارد. «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» را از نخستین نمونه‌های رمان تربیتی خواندند که تصویری از اروپای عصر خود به دست می‌دهد. علی‌اصغر حداد، مترجم نام‌آشنای آلمانی، با اشاره به سه‌گانه گوته می‌گوید: «نخستین اثر گوته از این سه‌گانه «رسالت تئاتری وِیلِهلم مایستِر» نام گرفت؛ وی بعدها با تکمیل همین اثر، دومین کتاب خود را در معرض توجه مخاطب قرار داد و نام «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» را بر آن نهاد. سپس گوته سومین اثر مبتنی بر شخصیت استاد وِیلِهلم را نگاشت که «گشت‌وگذار وِیلِهلم مایستِر» نام گرفت. مخاطب در «گشت‌وگذار وِیلِهلم مایستِر» که کتابی است آموزشی با دو وجه از شخصیت گوته روبه‌رو است؛ گوته ادیب و شاعر و گوته‌ای که بیشتر وجه علمی‌اش نمود دارد. وجه علمی گوته از وجوه مهم اوست که نزد مخاطب ایرانی چندان شناخته‌شده نیست». حداد از زوبرت موزیل، نویسنده بزرگ آلمانی نقل می‌کند که دوگانه «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» و «گشت‌وگذار وِیلِهلم مایستِر» را ازجمله متون‌ترین رمان‌ها می‌دانست و می‌گوید: «گوته در نگارش این آثار علاوه بر جنبه ادبی، وجوه فرهنگی و اجتماعی را نیز در نظر داشته است؛ ازاین‌رو این آثار در زمره برجسته‌ترین رمان‌های متوازن قرار گرفته‌اند. شخصیت چندوجهی گوته او را محبوب آلمانی‌زبان‌ها کرده است. تا جایی که کمتر کتاب آلمانی‌زبانی را می‌توان یافت که نشان و یادگی از گوته را در خود نداشته باشد؛ کتاب «مرد بی‌قابلیت» موزیل، ازجمله همین کتاب‌هاست که ردپای گوته را به‌کرات در خود دارد.» امیر معدنی‌پور نیز در این نشست به ترجمه‌های گوته اشاره می‌کند و می‌گوید: «از ترجمه آثار گوته در ایران سال‌ها می‌گذرد اما بیشترین ترجمه‌های موجود به دو اثر «رنج‌های

ورتر جوان» و «دیوان غربی-شرقی» محدود می‌شود. آشنایی و احساس قرابت و نزدیکی ایرانیان با «دیوان غربی-شرقی» این تصور را برایشان به وجود آورده است که این کتاب دروازه اصلی شناخت گوته است و می‌توان با خواندن آن او را شناخت؛ درصورتی‌که به اعتقاد من برای شناخت گوته می‌بایست با آثار مهم‌تر او آشنا شد؛ «دیوان غربی- شرقی» جزء پنج اثر مهم گوته محسوب نمی‌شود. غالب ایرانیان از علاقه گوته به حافظ و فرهنگ ایرانی اطلاع دارند و به همین دلیل او را خودی می‌دانند، درحالی‌که نمی‌توان او را خودی به حساب آورد. «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» یکی از مهم‌ترین آثار گوته است که با گذشت بیش از دو قرن از نگارش و انتشار آن، به فارسی برگردانده نشده، تنها در برخی کتب و مقالات عنوان یا گاه بخش‌های کوچکی از آن درج شده است.» معدنی‌پور درباره کتاب «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» می‌گوید: «آنچنان که از نام اثر بی‌یادست، این کتاب در دسته رمان‌های تربیتی قرار می‌گیرد. قهرمان، در طول داستان از خامی نوجوانی و دوران شاکردی به سوی میانسالی و پختگی حرکت و پس از گشت‌وگذار به استادی می‌رسد. گوته، نخستین کسی نیست که رمانی با چنین موضوعی می‌نویسد؛ پیشینه رمان تربیتی در آلمان به مارتین ویلاند بازمی‌گردد و به‌عبارتی وی با رمان «حکایت آگاتون» پایه‌گذار این نوع رمان است. همان‌گونه که از نام «حکایت آگاتون» برمی‌آید، فضای رمان در آلمان و فرهنگ آلمانی‌ها نمی‌گذرد، حال آنکه اثر گوته در بطن آلمان اتفاق افتاده، به مسائل فرهنگی و تربیتی مطرح‌شده در آن دوره آلمان می‌پردازد و به همین دلیل این اثر نزد آلمانی‌ها محبوب‌تر است. «سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر» اثری بنیادی برای نگارش دیگر رمان‌های تربیتی، ازجمله «کوه جادو» نوشته توماس مان است. عنوان این اثر پیش‌تر با واژگان دیگری همچون «سال‌های کارآموزی وِیلِهلم مایستِر» و «سال‌های شاکردی استاد وِیلِهلم» ترجمه شده است که این آخری به بازی زبانی و تضاد زیبای میان «شاکرد» و «استاد» اشاره دارد.»

**سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر**

**یوهان ولفگانگ فون گوته**

**ترجمه امیر معدنی‌پور**

**انتشارات کتاب فانوس**



سال‌های شاکردی وِیلِهلم مایستِر

رمانی که شخصیت اصلی آن، پلات، تعریف می‌کرد و داستان آغاز سقوط تدریجی او در بیماری روحی-روانی بود و این سقوط به گونه‌ای شکل می‌گرفت که از مسائل خود نویسنده سرچشمه گرفته بود. من با آن شخصیت و وضعیت او همانندسازی کردم. خودم را می‌دیدم که روی شاخه‌های درخت انجیر نشسته و مردم از گرسنگی می‌میرد، فقط به این دلیل که نمی‌تواند تصمیم بگیرد کدامیک از انجیرها را بخورد، تک‌تک آنها را می‌خواستم و انتخاب یکی از آنها به معنای ازدست‌دادن بقیه بود.» ساکس به خواننده نشان می‌دهد روند بیماری از نوجوانی چگونه شروع می‌شود و یک نوع نوجوان چطور آشفته و مبهوت می‌شود. خانواده چه واکنش‌هایی نسبت به بیماری دارند. تجربه روان‌درمانی به الین کمک کرد تا بتواند بر ناامنی که بر اثر توهم‌ها و هذیان‌ها دنیای یک بیمار اسکیزوفرنی را محاصره می‌کند، چیره شود. تا بتواند در روابط اجتماعی و عاطفی خود موفقیت کسب کند. به وسیله درمان تحلیلی موفق شد رنج بیماری را تحمل کند و «خود» را گسترش بدهد. موفق شد «خود» را منسجم کند تا امروز به‌عنوان یک انسان حرفه‌ای مؤثر باشد.

سقوط کرد. سخاوت و عزم ساکس که از این آسیب‌های ناشی از بیمارستان تسخیر و تاقلیش متزلزل شده بود، با وجود اینکه چقدر در هم شکسته بود، او را به تحصیل در رشته حقوق سوق داد. او پیروز شد، از دانشگاه ییل فارغ‌التحصیل شد و مأموریتی را آغاز کرد تا به طور قانونی از حقوق آمریکایی‌های مبتلا به بیماری‌های روانی شدید محافظت کند (انگلستان دوست سال پیش استفاده از محدودیت‌ها را غیرقانونی اعلام کرده بود).

خانواده ساکس در نوجوانی مجبور شدند او را به مرکزی با برنامه بازپروری بفرستند. خان‌های در شهر میامی با نام «عملیات بازپروری». واژه center در عنوان کتاب استعاره‌ای است از این مکان به دلیل تأثیری که ایمن مرکز روی الین گذاشت و همچنین استعاره‌ای از ایگوی او هم هست. انگار درباره بیماری اسکیزوفرنی، هیچ مرکزی توان نگهداری ندارد، خواه ایگو باشد و خواه مرکزی که بتوان این افراد را در آنها نگه داشت. وقتی هذیان‌ها و توهم‌ها سراغ بیمار می‌آیند، طبیعی است که مرکز فرومی‌پاشد. در بخشی از خاطرات الین ساکس آمده است: «بیرستانی بودم، کتاب حباب‌شیشه‌ای سیلویا پلات را خواندم.

#### پرواز بر فراز جنون

**الین ساکس**

**ترجمه مامک نوربخش و زهرا آقاییان**

**نشر خزان**



بهداشت روان در آمریکااست. هدف اصلی او افزایش میزان آگاهی متخصصان و دیگر افراد جامعه درباره بیماری اسکیزوفرنی است. هذیان‌های وحشتناک و توهم‌ها شنیداری، الین ساکس را از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آکسفورد منصرف نکرد. مراقبت روان‌پزشکی دلسوزانه در انگلستان او را تحت فشار قرار داد؛ اما بعدها به‌عنوان دانشجوی حقوق در دانشگاه ییل و در حالت روان‌پریشی، روان‌پزشکان ییل «هر دو با و هر دو دستش را به یک تخت فلزی یا تسمه‌های چرمی ضخیم بستند» و دارو را چندین‌بار به‌زور در حلق او ریختند. او به‌شدت با ناامیدی